

بخشی پیرامون افزایش قیمت‌ها و تورم

نوعی کالا نقش دارد، بخشی از نیازمندی‌های خود را برطرف می‌کند و می‌تواند مازاد تولید خود را برای به دست آوردن سایر کالاها و نیازمندی‌های خویش با دیگران مبادله کند.

مسطرح باشد و تربیت کارشناسان مالی و اقتصادی و صرف نیرو و امکانات برای بهبود و تنظیم تعادل اقتصادی مورد نیاز نبود.

اقتصاد، با محدودیت و کمیابی در ارتباط است. عنوان کمیاب، در مورد کالاهایی به کار می‌رود که ارزش مالی یا قیمت داشته و استفاده از آنها محدودیت داشته باشد. خواسته‌های مردم نامحدود و امکانات و عوامل اقتصادی محدوداند و یک جامعه هر اندازه پول و ثروت داشته باشد نمی‌تواند تمامی خواسته‌های خود را برآورده سازد. پس لازم است بعضی از خواسته‌ها و نیازها را که در اولویت هستند کنار بگذاریم و دست به انتخاب بزنیم.

یکی از اساسی‌ترین مسائل در اقتصاد، مسئله انتخاب است. البته زندگی انسان شامل مجموعه‌ای از انتخابها است که بعضی از انتخاب آنها اقتصادی هستند و برخی دیگر رابطه‌ای با مسائل اقتصادی ندارند. به عنوان مثال انتخاب تولید کالایی در یک شرکت تولیدی، یک انتخاب اقتصادی است و طبیعتاً افزایش تولید همین کالا بر روی تولید سایر کالاها تأثیر دارد. برای خرید این کالا توسط مردم نیز چنین تأثیراتی وجود دارد. وقتی که فردی اراده می‌کند مقدار بیشتری از یک کالا را خریداری کند، ناچار باید از مقدار خرید کالاهای دیگر بکاهد.

حال این موضوع اهمیت پیدا می‌کند که یک کالا چرا ارزش و قیمت دارد و نقش پول در این میان چیست؟ در یک جامعه اگر بخواهیم تقسیم کار را به طور کامل اجرا کنیم، نتیجه این خواهد بود که هر کسی در تولید

از فرج... فتاحیان‌نژاد
عضو تعاونی ۱۱۳ استان ایلام

در میان توطئه‌های مختلف دشمنان علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، حربۀ محاصره اقتصادی برای ضربه زدن به نظام اقتصادی این انقلاب نوپا تدارک دیده شده بود. گرچه گرانی و تورم و مسائل جنبی آن باعث فشار اقتصادی خصوصاً به قشر آسیب‌پذیر جامعه شد، اما با پشتکار و مقاومت مردم کشورمان توانستیم ثابت کنیم که هیچ توطئه‌ای قادر به نابودی این نظام مقدس نیست و آنچه از آثار این ترفند اقتصادی سیاسی برجای مانده، با ارائه طرح‌ها و برنامه‌های پژوهشگران کشورمان قابل حل است.

مطالبی که در این مقاله گردآوری شده است پیرامون قیمت و ارزش کالا، قیمت‌گذاری‌ها و چگونگی ایجاد تورم در جامعه می‌باشد. با این امید که مسئولین و مدیران اجرایی با بکار بردن روش‌های اقتصادی و نیز با تحقیق و تدبیر هر چه تمامتر، در زدودن مشکلات اقتصادی، مردم را یاری کنند.

اصولاً آنچه باعث شده است مسئله تعادل اقتصادی، یعنی برابری عرضه و تقاضا و لزوم حفظ و کنترل این معادله اقتصادی مطرح شود، محدودیت امکانات و عوامل اقتصادی برای پاسخگویی به نیازهای نامحدود جامعه است. اگر تمامی کالاهای مورد نیاز مردم به اندازه کافی در دسترس بود، دیگر لازم نبود مسئله‌ای به نام اقتصاد - علم اقتصاد و قوانین اقتصادی

گذشته از این که در این جامعه چه مشکلاتی وجود دارد، می‌توانیم بگویم هر فرد نقش یک بازرگان را دارد و جامعه نیز یک اجتماع کاملاً بازرگانی است. اما اینجا نیاز به یک وسیله بازرگانی واحد برای مبادله کالا و خدمات احساس می‌شود. در گذشته بسیار دور، از احشام برای این وسیله استفاده می‌شد و در برخی از اجتماعات، صدف - توتون - شکر و ... معمول بود. کم‌کم نیاز به یک وسیله مبادله بهتر، باعث شد که از فلزات و زر و سیم استفاده شود و بدین ترتیب پول به وسیله‌ای برای مبادله و خرید و فروش تبدیل شد.

مسئله‌ای که پیش می‌آید این است که چه مقدار پول برای یک کالا باید پرداخت کرد؟ این موضوع بستگی به ارزش کالا دارد. البته کلمه ارزش برای مبادله، با معنای ارزش در

گاهی علی‌رغم بالا بودن قیمت کالا، تقاضا برای آن همچنان بالا است. علت این است که بخشی از جامعه درآمدشان با سرعت بیشتری از افزایش قیمت‌ها بالا می‌رود و تقاضایشان برای خرید کالاها رو به افزایش می‌باشد. این موضوع باعث ایجاد تورم می‌گردد.

شرایط دیگر متفاوت است. مثلاً در مورد کالاهای مبادله‌ای، قدرت خرید یا مقدار کالاهای دیگران که با آن کالا می‌توانیم مبادله کنیم، میزان ارزش آن را مشخص می‌کند. اما ما از آب و هوا و نظایر آنها که فوق‌العاده ارزشمند هستند استفاده می‌کنیم که ارزش مبادله‌ای ندارند. ولی وقتی با پول ارزشی را تعیین کنیم، بحث قدرت خرید و ارزش پول پیش می‌آید و تورم که از مشکلات اقتصادی جوامع مختلف است ریشه در این مسائل دارد. ارزش و قیمت یک کالا به معنای اقتصادی آن به اندازه هزینه‌ها و یا میزان زحمت و تلاش جهت بدست آوردن آن است و برای کسی که کالا یا پول را برای مبادله در اختیار دارد، ارزش آن برابر مقدار کاری است که او برای بدست آوردن کالای معادلش، از کار کردن معاف است.

پس قیمت واقعی هر چیز برابر رنج و زحمت بدست آوردن آن است. اما تولید یک کالا معمولاً احتیاج به سرمایه‌گذاری دارد، این سرمایه همیشه در دست همگان نیست و اشخاص مالک این سرمایه‌ها هستند. اگر قیمت را با پول بسنجیم و مسئله مالکیت و سرمایه‌گذاری را در این قضیه دخالت دهیم، چون شخصی که به عنوان مالک سرمایه‌گذاری کرده است می‌خواهد علاوه بر ارزش کالا، بابت سرمایه‌گذاری خود مبلغی سود ببرد، بهره و سود سرمایه‌گذاری، به قیمت واقعی اضافه شده و تبدیل به قیمت ظاهری می‌گردد و این قیمت است که دستخوش نوسانات می‌شود زیرا به علت توقعات و خواسته‌های نامحدود سرمایه‌گذاران برای بدست آوردن حداکثر سود، بین قیمت واقعی و قیمت ظاهری فاصله به وجود می‌آید. اما این قیمت ظاهری هم برای هر جامعه‌ای، یک حد متوسطی دارد و مقدار قیمتی که به قیمت واقعی اضافه شده نسبت به شرایط محیطی: ثروت، تورم و رکود یک جامعه، در یک حدی تنظیم و قیمتی متداول می‌شود که قیمت بازار نام دارد. این قیمت بستگی شدیدی به تعادل عرضه و تقاضا دارد. اگر میزان عرضه



یک کالا بیشتر از میزان تقاضای آن باشد، صاحبان کالا مجبورند مقداری از کالا را پایین‌تر از قیمت واقعی بفروشند و این امر قیمت بازار را کاهش می‌دهد.

در مقابل، اگر کالایی که عرضه می‌شود جوابگوی تقاضای موثر جامعه نبوده و کمتر از تقاضا باشد، مصرف‌کنندگان برای بدست آوردن آن کالا با رقابت روبرو هستند و عده‌ای با پرداختن قیمتی بالاتر از قیمت واقعی، صاحب آن کالا می‌شوند و بدین ترتیب سطح عمومی قیمت‌ها بالا می‌رود.

در این بین، نقش تقاضا اهمیت بیشتری می‌یابد. زیرا وقتی میزان مصرف یک کالا افزایش پیدا کند قیمت آن کالا بالا می‌رود و تولیدکنندگان نیز تولید آن کالا را افزایش می‌دهند. تولیدکننده، علاوه بر اینکه با افزایش تولید، نیاز سودآوری خود را برآورده می‌کند در حقیقت منافع جامعه را به‌طور ضمنی دنبال کرده است. در این شرایط، متوجه می‌شویم که نیاز مردم و میزان مصرف آنها تأثیر قابل

توجهی بر نوع قیمت و مقدار کالاهای تولیدی دارند.

بالا رفتن قیمت‌ها، قدرت خرید مردم و حجم پول بازار، با مسئله بسیار بزرگی به نام تورم مرتبط است. طبق تعریف، تورم حالتی است که در آن حجم پول در دست مردم زیاد است، قیمت‌ها روبه افزایش است و تعادل عرضه و تقاضا نیز به هم خورده است.

طبق قانون عرضه و تقاضا، اگر قیمت کالایی بالا رود، تقاضای آن کاهش پیدا می‌کند و قاعدتاً عرضه نیز باید خود را تطبیق دهد تا تعادل برقرار شود. اما گاهی می‌بینیم که علی‌رغم بالا بودن قیمت کالا، تقاضا برای آن همچنان بالا است و این خلاف انتظار معادلات تعادلی در اقتصاد است. علت این است که ممکن است بخشی از جامعه درآمدها با سرعت بیشتری از افزایش قیمت‌ها بالا رود و قدرت و تقاضایشان برای خرید کالاها روبه افزایش باشد. این مسئله باعث ایجاد تورم می‌گردد.

در مواقع بروز فشار اقتصادی و فقر، تعاون و همکاری می‌تواند در حل مشکلات اقتصادی مؤثر باشد. با توجه به منابع تولید و نیروی کار موجود در کشور، گسترش و انسجام بیشتر تعاونی‌ها، امری ضروری است.

آن، افزایش تقاضا برای مواد اولیه و نهایتاً تا جایی که ظرفیت وجود داشته باشد، افزایش در تولید و اشتغال تا پیش از اشتغال کامل، از نتایج افزایش حجم پول است.

افزایش هزینه‌ها، تقاضا برای اعتبارات بانکی و پول بیشتر را افزایش می‌دهد و بدین ترتیب فرآیند تورم با روندی که گفته شد به جریان می‌افتد. در حالی که قیمت‌ها روبه افزایش است و پیش‌بینی می‌شود که در آینده نیز قیمت‌ها بالاتر روند، مردم سعی می‌کنند با پولی که در اختیار دارند بیشترین مقدار کالا را که حتی نیاز فوری به آن ندارند، خریداری کنند. در این حالت، میل به پس‌انداز کاهش یافته و میل به خرج کردن پول افزایش می‌یابد و اهمیت و ارزش پول رفته رفته کمتر می‌شود. البته این روند به سرعت گردش پول نیز کمک می‌کند.

براساس نرخ رشد قیمت‌ها، می‌توان تورم را تقسیم‌بندی نمود. اگر رشد قیمت حدود ۲ درصد در سال باشد، تورم را خزننده می‌گویند، همان طور که قبلاً گفته شد، افزایش مقدار کمی در قیمت مضر نبوده و تورم خزننده در کل، برای اقتصاد خطرناک نیست، گرچه بعضی معتقدند که تورم را باید از همان مراحل اولیه مهار کرد.

اگر افزایش قیمت‌ها بیشتر باشد، حالت دیگری از تورم پیش می‌آید که به آن تورم آرام گویند و همین طور حالت‌های دیگری که نرخ رشد بیشتری دارند، به تورم سریع و تورم شدید موسومند. در تورم شدید، خطر جدی برای اقتصاد وجود دارد و در این حالت، قیمت‌ها لحظه به لحظه افزایش می‌یابند. تورم تقسیم‌بندی‌های دیگری نیز دارد که از جمله: تورم بودجه‌ای، به علت افزایش حجم پول (به خاطر ایجاد تعادل در بودجه دولت)، تورم هزینه‌ای، به علت انتقال اضافه هزینه‌های تولید به خریداران، و تورم وارداتی، به علت افزایش قیمت‌ها در خارج کشور را می‌توان نام برد.

با توجه به مطالبی که در خصوص کمیابی و قیمت‌گذاری و افزایش قیمت و تأثیر آن در حجم پول و نهایتاً تورم گفته شد، می‌توان

صورت نقدی نگهداری کنند. و این میل به نگهداری را اصطلاحاً رجحان نقدینگی گویند.

به گفته اقتصاددانان، برای تقاضای پول توسط مردم، دلایلی از جمله انگیزه داد و ستد، انگیزه احتیاطی و انگیزه سوداگری وجود دارد. حجم پول در گردش به مقدار پولی اطلاق می‌شود که توسط مردم اعم از اشخاص و موسسات اقتصادی نگهداری می‌شود و این شامل آنچه در خزانه دولت و در بانک‌های تجاری و بانک مرکزی موجود است نمی‌شود. پس معلوم شد که حجم پول نقش تعیین‌کننده‌ای برای شکل‌گیری تورم ایفا می‌کند اشتغال کامل که ذکر آن گذشت، نقطه‌ای است که نیروها و امکانات به طور کامل بکار گرفته شده است و بعد از این مرحله، تورم به شکل کامل و واقعی ظاهر می‌شود.

با کمی تعمق درمی‌یابیم که در جریان تورم یک فرآیند وجود دارد. افزایش حجم پول، در حالی که پول با گذشت زمان بخشی از اعتبار و قدرت خود را از دست می‌دهد، ضروری به نظر می‌رسد، زیرا موجب افزایش تقاضا برای کالا و خدمات می‌شود و به دنبال

وقتی که بحث افزایش قیمت پیش می‌آید، این نکته لازم است روشن شود که ما بر مبنای چه چیزی قیمت یک کالا را بالا می‌دانیم. اینکه ما نسبت به سال گذشته و سال‌های قبل از آن قیمت را بسنجیم، نمی‌تواند کار درستی باشد زیرا که افزایش تدریجی قیمت، لازمه رشد و سلامت اقتصاد جامعه است. اگر درآمد تولیدکننده افزایش پیدا کند، به سرمایه‌گذاری بیشتر و تولید بیشتر تشویق می‌شود. پس درست این است که دنبال پارامتر دقیق‌تری برویم. اندازه‌گیری سطح تولید ناخالص ملی که دارای پوشش وسیعی است، می‌تواند جوابگوی بررسی ما باشد. بدین ترتیب ارزش کالای تولید شده قابل محاسبه است و سطح عمومی قیمت‌ها را می‌توان با این ارزش مقایسه کرد. اگر سطح قیمت‌های بازار بالاتر باشد جامعه دچار تورم است.

البته این که ما قیمت یک کالا را بررسی کنیم و ببینیم چه مقدار اضافه قیمت آن غیر تورمی و چه مقدار آن مربوط به تورم است، کاری بس مشکل است، ولی در کل، برای اینکه بفهمیم تورم موجود چه اندازه خطرناک است می‌توانیم سطح اشتغال را بررسی کنیم. هرگاه جامعه در سطح اشتغال کامل باشد، هرگونه افزایش در حجم پول، صرفاً موجب بالا رفتن سطح قیمت‌ها شده و حالتی از تورم پیش می‌آید که به آن تورم کامل می‌گویند. ولی اگر نیروی بالقوه برای افزایش سطح تولید و افزایش اشتغال وجود داشته باشد، افزایش حجم پول، ضمن اینکه بر افزایش قیمت‌ها موثر است سطح تولید و اشتغال را نیز بالا می‌برد. این نوع تورم را تورم جزئی می‌نامند. چون بحث حجم پول به میان آمد، خوب است اشاره شود که پول، نوعی ذخیره ارزش است. پول را می‌توان به صورت دارایی ذخیره کرد و تقاضای پول توسط مردم، بستگی به این دارد که ترجیح می‌دهند چه مقدار پول را به



اقتصادی پویا، قوی و غنی، همراه با رفاه و آسایش بیشتر برای جامعه بوجود آورد. در مورد ثبات قیمت‌ها، با توجه به اینکه تورم و افزایش بی‌رویه قیمت‌ها مانع رشد اقتصادی است، دخالت دولت در این خصوص دارای اهمیت است. ولی این دخالت امری بسیار حساس است، زیرا به دنبال کنترل قیمت، مسئله احتکار کالا و ایجاد بازار سیاه توسط عده‌ای سودجو پیش می‌آید و علاوه بر این، تولید و توزیع روند عادی خود را از دست می‌دهد ولی با اتخاذ تدابیری می‌شود بر این مشکلات فائق آمد. جیره‌بندی و پرداخت سوبسید نیز از اقداماتی است که دولت می‌تواند در مواقعی که اقتصاد با تورم شدید روبرو است انجام دهد و بهتر این است که دولت به قشر ضعیف و کم درآمد جامعه از طریق تأمین اجتماعی و پرداخت‌های ضروری کمک کند و برای آنها که درآمد قابل توجهی دارند متناسب با درآمدها مالیات بر درآمد وضع کند.

در این رابطه مهم این است که با مسئله مالیات به صورتی تخصصی و کاملاً جدی برخورد شود تا نتیجه مطلوب بدست آید.

در مورد حصول رشد اقتصادی می‌توان با بسیج امکانات کشور برای افزایش ظرفیت تولیدی تلاش کرد و نتیجه این تلاش افزایش محصول ناخالص ملی است که با مقایسه هر سال با سال، قبل می‌توان به رشد اقتصادی پی برد.

منابع:

۱- مبانی علم اقتصاد (اقتصاد خرد - اقتصاد کلان) - دکتر طهماسب محنثم دولشاهی انتشارات خجسته

(۱۳۷۲)

۲- نظام‌های اقتصادی - دکتر عبدا... جاسبی - سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی ۱۳۶۴

۳- آدام اسمیت و ثروت ملل - محمد علی کاتوزیان - جامعه و اقتصاد (۱۳۵۸)

۴- جزوات اقتصاد خرد و اقتصاد کلان دکتر باباخانی، دانشگاه علم و صنعت ایران

۵- اصول تعاون - ویلیام پاسکوئه و اتکنیز - وزارت تعاون ۱۳۷۲



اگر کالایی که عرضه می‌شود، جوابگوی تقاضای مؤثر جامعه نبوده و کمتر از تقاضا باشد، مصرف‌کنندگان برای بدست آوردن آن کالا با رقابت روبرو هستند و عده‌ای با پرداختن قیمتی بالاتر از قیمت واقعی، صاحب آن کالا می‌شوند و بدین ترتیب سطح عمومی قیمت‌ها بالا می‌رود.

چنین نتیجه‌گیری کرد که نقش دولت و سیاست‌های اقتصادی دولت در مسئله تورم، یک امر ثابت شده و یک اصل اقتصادی است که خصوصاً بعد از جنگ‌های اول و دوم جهانی اهمیت یافته است. یعنی دولت می‌تواند اقتصاد جامعه را به سوی پیشرفت هدایت کند. البته همه دولت‌ها سعی در این امر مهم دارند ولی به نسبت تلاش و دقت و تصمیم‌گیری صحیح، می‌توانند در این خصوص مفید واقع شوند و سهل‌انگاری در این مسائل می‌تواند برای اقتصاد مسئله‌ساز باشد.

از مهم‌ترین اقداماتی که دولت می‌تواند انجام دهد، سعی در ایجاد اشتغال کامل، دخالت در قیمت‌گذاری و ثبات قیمت‌ها و سعی در پیدایش رشد اقتصادی است. در کشور ما درصدی از جمعیت فعال و آماده کار که به کار گرفته نشده، به صورت نیروی قابل استفاده وجود دارد. پس باید این جمعیت را به

سوی اشتغال کامل هدایت کنیم و مهم‌تر از این، ما به عنوان یک کشور مسلمان، به اصل تعاون و همکاری معتقدیم و این یک واقعیت پذیرفته شده است که در مواقع بروز فشار اقتصادی و فقر، تعاون و همکاری می‌تواند در حل مشکلات اقتصادی مؤثر باشد. با توجه به منابع تولید و نیروی کار موجود در کشور، گسترش، تشکل و انسجام بیشتر تعاونی‌ها امری ضروری است.

البته نکته مهم و قابل توجه‌تر در تعاونی‌ها این است که تمهد و التزام به اتحاد، باید موجود باشد تا بتوان به نتایج مثبت اقتصادی دست یافت. با توجه به سوابق تعاونی‌ها به درستی می‌توان پی برد که مؤسسات مزبور به عنوان وسیله‌ای برای رفع مشکل اقشار بیکار و ضعیف جامعه، کارساز بوده و در مقام یک عامل استراتژیک برای بلند مدت مطرح می‌باشند. ترویج فرهنگ تعاون می‌تواند